مدیریت شهری
شماره ۵۱ تابستان ۱۳۹۷
No.51 Summer 2018
۷۵-۸۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۸/۲۳ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

بازخوانی مولفه‌های هویت‌بخش نما در منظر شهرهای معاصر

احسان رخشان- دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
حسین ذبیحی* - دانشیار، گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
حمید ماجدی- استاد، گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

مقاله حاضر با مدنظر قراردادن آخرین دستاوردهای پژوهشی پیرامون نماهای شهری و نقش هویت بخش آن ها، به دنبال شناخت مدلی جامع از انسان و ابعاد ادراکی او، در جهت طراحی مناسب جداره‌های شهری می‌باشد. با توجه به رابطه متقابل محیط و انسان بر یکدیگر سوال تحقیق این موضوع می‌باشد که، محیط با چه مولفه هایی می‌تواند بر شکل گیری هویت در فرد و جامعه موثر باشد. با توجه به آموزه‌های اسلامی و ساحات حیات انسان نیازهای وی در دو ساحت مادی و معنوی دسته‌بندی می‌گردد سیمای شهری زمانی می‌تواند به وجوه هویتی سازی برای فرد و جامعه دست یابد که به ابعاد وجودی و نیازهای متفاوت فرد توجه داشته باشد. فضای معماری قابلیت دارد نیازهای مادی و روانی انسان را به صورت نسبی تأمین نماید، اما تنها می‌تواند بستری برای تأمین نیازهای عقلانی و روحانی او فراهم آورد، زیرا سیر تکامل انسان‌ها امری آگاهانه واختیاری است. سازندگان فضا می‌توانند با اگاهی از مولفه‌های اثربخش بر ادراک فرد از محیط با طراحی محیطی غنی و تاکید بر مولفه‌های ادراکی به اثر بخشی محیط، کمک کنند. محیطی که نظام‌های کالبدی، ادراکی، معنایی و کارکردی درآن به درستی عمل کند، می‌تواند با استفاده از ارزش گذاری‌های مناسب فردی و جمعی به تربیت ادراکات فرد در محیط بپردازد و به غنای فرهنگی دامن بزند. این موضوع زمانی رخ می‌دهد که نگاه حاکم بر طراحی محیطی متناسب با ارزش‌ها و هویت جامعه باشد و با احترام به هویت فردی و جمعی می‌تواند به این همانی فرد و محیط دست پیدا کند.

واژگان کلیدی: نما و منظر شهری، زیبایی‌شناسی، هویت، **نیازهای انسان**

Reload the identity components in the view of contemporary cities

Abstract

The present paper aims to consider the latest research achievements surrounding urban views and their role, seeking to understand a comprehensive model of human and perceptual dimensions, in order to fit the structure of the urban wall. Considering the reciprocal relationship between the environment and the human, the question of what components can affect the formation of identity in an individual and society. According to the teachings and human life categories, his needs are grouped in two physical and spiritual arenas, and the urban features can be achieved when people and society are formed into identity dimensions and the different needs of the individual. Architectural spaces provides the physical and psychological needs of man in a relative manner, but can only provide a platform to provide his spiritual and spiritual needs, as the evolution of human evolution is a conscious one. Space builders can help with knowledge of the effective elements on the individual's perception of the environment with a rich environmental design and emphasis on perceptual elements as part of the environment. the environment in which physical, perceptual, semantic, and functional systems function properly can be used by appropriate individual and collective valuating to train individual perceptions in the environment and stimulate cultural wealth. This happens when the dominant eye on environmental design fits into society's values and identity, and by respecting individual and collective identity, it can achieve this person and the environment.

Keywords: View and Urban Landscape, aesthetics, Identity, human needs

*. این مقاله مستخرج از رساله دکتری معماری با عنوان «خوانش وجوه ادراک فضایی در سیمای شهرهای سنتی ایران در جهت حفظ ارزش های معماری ایرانی» است که به راهنمایی دکتر حسین ذبیحی و مشاوره دکتر حمید ماجدی در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران انجام یافته است.

نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۹۳۷۵۲۰، رایانامه: h.zabihi@srbiau.ac.ir

۱-مقدمه

هسته شهرهای ما نارسایی‌های متعددی را تجربه می‌کنند. عدم کارآمدی، ضعف زیرساخت ها، مهاجرت جمعیت بومی، استقرار اقشار فرودست، مسائل اجتماعی و نظایر آن، که به تدریج نیز این معضلات در سیما و منظر این محوطه‌ها تبلور می‌یابد. علیرغم توجه دانشکده‌های معماری و شهرسازی نسبت به مسائل زیربنایی هم‌چون فرهنگ و هویت، معماری معاصر ایران دچار اغتشاش و بی هویتی است. ضعف در شناسایی فرهنگ خودی، مشکلات آموزشی، تبلیغات فرهنگ بیگانه، نبود قوانین و ضوابط منسجم و کارآمد، ضعف راهکارهای مدیریت شهری در معماری شهرسازی موضوعاتی هستند که در بحران هویت فرهنگی معماری و شهرسازی معاصر ایران نقش دارند. با توجه به رابطه متقابل انسان و محیط و تأثیرگذاری فضای شهری بر شهروندان توجه و طراحی مناسب سیمای شهر می‌تواند گامی مؤثر در بهبود شرایط فرهنگی، اجتماعی و ایجاد حس هویت در افراد نماید. گسستن از ارزش‌ها باعث از دست دادن معماری نظام یافته با زندگی مردم شد. مهمترین تهدید آن بی‌توجهی به آداب و رسوم در شکل دهی به معماری و شهرهاست. توجه به فرآیند شکل گیری معماری ایرانی نتیجه بهتری از نگرش و تقلید صرفاً شکلی ازمعماری گذشته برای دستیابی به معماری هویتمند عصر خود به دست خواهد داد. نمای شهری در معماری معاصرمی تواند چهره بومی به خود بگیرد و در اصل سیاست هایی را ارائه می‌دهد که با توجه به خلاقیت هر معمار می‌تواند نماهای متنوع ارائه دهد مسلماً بررسی و آسیب شناسی مناطق مختلف و در نظر گرفتن شرایط محیطی آنها می‌تواند درارائه راهکارهای بومی موثر باشد تا سازمان‌های مجری متناسب با شرایط بتوانند درصدد رفع مشکلات برآیند منظر شهر، اولین برخورد ساکنین با شهر، محله و کوچه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. بدون شک مشاهده منظر شهر و یا یک محله متناسب با هویت و خاطره جمعی ساکنین آن از مظاهر ایجاد و یا افزایش احساس تعلق ساکنین است. ساکنینی که به عنوان مالکین کوچکترین قطعات زمین شهر، محله و کوی خود، نقش برجسته ای را در ایجاد منظر شهر و یا محله بازی می‌کنند.

بدنه‌های شکل گرفته در طول کوچه‌ها و خیابان‌های سطح محلات و شهر حاصل تجربه هایی است که سینه به سینه از معماری گذشته این سرزمین به ما رسیده است. این نماها نمود کالبدی و ظاهری فرهنگ و هویت ساکنینی بود که به عنوان یک ایرانی مسلمان در پس این کالبد بیتوته کرده اند.از شاخصه‌های نما در معماری ایرانی-اسلامی ساده بودن و پرهیز از خودنمایی، توجه به هندسه و تناسبات در کل و استفاده از جزییات به منظور جلوگیری از یکنواختی، استفاده از مصالح بومی و غیره بوده است. ساکنین هر محله بدلیل زندگی در طول سالیان متوالی در آن محله، و دیدن هر روزه آن و گذر از میان کوچه پس کوچه‌های آن، با آن ارتباط برقرار کرده و آن را بخشی از هویت جمعی خود دانسته اند. شهرهای سنتی ایران ازجمله فضـاهای پراهمیتـی است که توانسته بر روی نمونه‌های مشابه در سایر نقاط جهان نیز تأثیرگذار باشد. لذا در این پژوهش با شناخت مفهوم سیما و منظر شهری و نگاهی بر روند تغییر مفهوم نما در ایران سعی می‌شود تا راهکارهـایی برای ارتقاء کیفیت محیط کالبدی در عصر حاضر معرفی نمود، تا بتوانیم به بهبود فضاهای شهری معاصر در جهت احراز هویت، کمک نماییم.

۲- واژه‌شناسی مفهوم سیما ،منظر و نمای شهری

به علت وجود بار معنایی و کاربردی مشترک بین سیما و منظر شهری گاه امکان اشتباه در درک درست و تفکیکی این دو اصطلاح وجود دارد ان گونه که هنوز هم در برخی مجامع داخلی سیمای شهر از منظر شهری اشتباه تلقی می‌شود درحالی‌که منظر شهری یک منظر عینی از شهر است که اجزای ان را عناصر ملموس و کارکردی تشکیل می‌دهد برعکس تصورات، برداشت‌ها و ادراک افراد و مخاطب از عناصر موجود در شهر را می‌توان به‌عنوان سیمای شهر تعریف نمود. ازاین‌رو سیمای شهری به معنای منظر ذهنی از شهر است و این ذهنیت از طریق ادراک و پردازش منظر عینی در ذهن انسان شکل می‌گیرد (محمودی، ۱۳۸۹، ص ۲۸). سیمای شهر به تمام عواملی از شهر که به دیده می‌آیند و چشم قادر به تماشای آن‌هاست اطلاق می‌شود. این عوامل به‌صورت انفرادی و در حالتی پیوسته و دسته‌جمعی عمل می‌کنند (لینچ، ۱۳۸۵، ص ۲۳). در یک تعریف کلی می‌توان گفت: منظر شهری مجموعه عناصر و کیفیت محیطی از سازمان بصری شهر است که در زمان و مکان توسط ناظر تجربه می‌شود. منظر شهری حاصل سطح تماس انسان و شهر است و دراین راستا، انسان نه تنها در ساختار چشم انداز بصری شهر از طریق فعالیت‌های خود بر منظر شهری تأثیر می‌گذارد، بلکه رفتار

و درک ذهنی شهروندان نیز از طریق تماس با منظر شهری تأثیر می‌پذیرد (Crow, Brown and Young, 2006: 282). از دیدگاه لغت‌شناسی نما به معانی ذیل به‌کاررفته است: لغات فارسی در کاربرد واژه‌نما، آنچه در معرض دید و برابر چشم است، صورت ظاهر عبارات را به کار می‌برند (معین، ١٣٦٤). بعدی از ساختمان که به دیده می‌آید (دهخدا، ١٣٧٧)، (مشیری، ١٣٦٩)، (عمید، ١٣٧٨) تعریف و کاربرد واژه‌نما در فرهنگ لغت، نشان‌دهنده این موضوع است که نمای ساختمان چیزی منفک از ساختمان نیست و فارغ از پوششی نهایی برای مقاومت در برابر شرایط جوی، بیان‌کننده عملکرد ساختمان (انطباق فرم ساختمان با عملکرد آن)، منش، کردار تفکر ساکنان، به‌مثابه لولایی اجتماعی، فصل مشترک فضاهای عمومی و خصوصی هست. نما، ارتباط ملموس ساختمان با شهر هست. از طریق نما، عناصر طبیعی (نور، باد) به ساختمان نفوذ کرده و ارتباط ساکنان با فضای شهری برقرار می‌گردد. علاوه بر آن در شکل‌دهی به سیمای کالبدی شهر، نقش مهمی داشته و فصل مشترک رنگ تعلق داخلی و بیرونی است. نمای شهری درواقع دیدی از فضای شهری است که حریم آن را معماری و گستردگی آن را شریان‌های شهری و وضوح آن را طراحی شهری تعریف می‌کند. با توجه به واژه‌شناسی مفهوم نما می‌توان به اهمیت بعد تفکر و جهان‌بینی طراح برساخت نما پی برد به‌گونه‌ای که هر نما نماینده نوعی تفکر است و می‌تواند ان تفکر را در مقیاسی بزرگ‌تر و در سطح شهر گسترش دهد.

نمای هر ساختمان در مجموعه شهری که در آن حضور دارد مؤثر است و این تأثیر را به بدنه خیابان‌ها یا میدان‌ها که در آن قرار گرفته است، انتقال می‌دهد. در واقع نمای شهری متشکل از بناهای شهری است. بنابراین وقتی که از دید معماری با این کلمه برخورد می‌کنیم، اشاره مستقیمی به نمای ساختمانها داریم (پاکزاد، ١٣٨٦، ص ٨٢). در واقع نمای ساختمان‌ها به صورت یک صفحه نمایش ترکیبات معماری ظاهر می‌گردد. ترکیب‌های معماری حاوی نوعی معنا هستند و از این رو قادرند که خیال آدمی را تحریک نمایند و با وی ارتباط برقرار کنند. به همین دلیل بخش‌های عمده‌ای از ارتباط انسان با محیط اطرافش از طریق ارتباط بصری و ذهنی وی با ترکیب‌های معماری آن محیط اتفاق می‌افتد، این نوع ارتباط که خصلتی بسیار تجریدی دارد، زمینه‌ای برای تحریک ارتباط‌های غیرتجریدی‌تر و مشخص‌تر است (صفامنش، ١٣٧٣، ص ١٨٠).

٣-سیر تحول نما در معماری ایران

مفهوم نما در معماری ایران ، به وسعت سرزمین هایی است که فرهنگ ایرانی در آن نفوذ یافته است. از این رو یافتن تعریفی واحد، ورای تفاوت‌های موضوعی، مکانی و زمانی محال است. اما با توجه به این متغییرهای اصلی، می‌توانیم چند ویژگی مهم نما را در معماری ایرانی شناسایی کنیم. در معماری ایران بناهارا می‌توان به دو دسته رسمی و بومی تقسیم کنیم. بناهای رسمی شامل بناهای حکومتی و آیینی، و بناهای بومی ساختمان‌های مردم عادی است. اگرچه معماری بومی ورسمی با هم تفاوت دارند، اما بین آنها ارتباطی ظریف هم وجود دارد. یکی از منابع تغذیه معماری رسمی، الگوهای معماری بومی است. در دوره اشکانی و ساسانی که به دلیل وقفه فرهنگی ناشی از حمله اسکندر، دانش مهندسی کاخ‌های هخامنشی از بین رفته بود، معماران با بازگشت به الگوهای معماری بومی، با سازه‌های تاقی و دیوار باربر (که از دوره هخامنشیان تا ساسانیان رواج داشت)، بناهای مهم آن دوره را ساختند. به‌عبارتی معماری رسمی، ویرایشی از معماری بومی را در مقیاس نمادین ارائه می‌کرد. اگر نمای نقش رستم در نزدیکی شیراز با خانه ای روستایی در بجنورد مقایسه کنیم، می‌بینیم معماری رسمی هخامنشی، نمایش تزئینی و حجاری شده عناصر ساده سازه‌ای است (تیرها، ستون‌های چوبی، سقف کاه گل) که در معماری بومی نقشی اساسی (و نه صرفا تزئینی) داشته اند. لذا می‌توان با توجه به مشابهت هایی موجود نماها را به صورت جمعی مورد بررسی قرار داد. این موضوع در دوره‌های بعدی نیز بعد از اسلام ادامه یافت. ایرانیان با بهره‌گیری از معماری پیش از اسلام به ساخت بناها در دوران بعدی ادامه دادند و اسلام با آموزه‌ها و اصول خود به این بناها رنگ و بویی جدید بخشید. در دوران بعد از اسلام سازندگان سعی کردند در تزئینات و فضاسازی ها، خود را به اصول اسلام نزدیک کنند و این امر در هر دوره با تفاوت هایی انجام شد به صورتی که در دوران اسلامی بر اساس حکومت هایی که در راس بودند مشخصه‌های نما متفاوت می‌شدند. به این ویژگی‌ها به تفکیک در جدول ١ اشاره شده است.

در جامعه ما به ویژه پس از انقلاب با رشد جمعیت و سهم شهرنشینی، بازسازی‌های جنگ، گسترش شدید

شـهرها در پاسـخ بـه اسکان مهاجرین رخ داد. درگذشته ساختمانهای شهر، نه تنها از جنبه انفرادی، زیبا و مطابق با اصول زیباشـناختی بصـری طراحی می‌شدند، بلکه در کمال احترام به اطراف و محیط شهری ساخته می‌شـدند. بـا ظهـور مفـاهیم و عناصـر مدرنیتـه، شهرسازی ایران، مانند بسیاری مسائل دیگر، با سرعت دستخوش تغییراتی شد. جداره‌ها و نمای پیرامونی ساختمان‌ها نقشی محکم در شکل‌دهی به عرصه‌های عمومی شهر دارند، این جداره‌ها در گذشته به صورت متحدالشکل حول محور عنصر مقدس که عموما مسجد بود شکل می‌گرفت. تنها مسجد بود که با تفاوت در رنگ و مصالح و فرم در میان بافت سر بر می‌آورد و گویی سایر بناها در زیر سایه ان آرمیده بودند. نمای خیابان‌ها در ارتباط با بافت و مصالح بومی بود و می‌شد تا مفهوم وحدت در کثرت را در آن مشاهده نمود. متاسفانه در دوران معاصر نماهای نا همگون و متفاوت با علایق شخصی و بر اساس ارزش‌های مادی در کنار هم قرار گرفته اند و سیمای شهری را ملقمه‌ای از سبک‌ها و مدها شکل داده است. جداره‌های شهری متاسفانه با جلوه‌ای نازیبا و بی‌هویت منجر به شکل گیری جداره‌هایی مهاجم شده اند و تاثیراتی منفی بر روح و روان شهروندان دارند.

جدول ۱. سیر تحول نما در معماری ایرانی

سیر تحول نما در معماری ایرانی			
دوره زمانی	مشخصه‌های نما		نمونه موردی
	مشخصه‌های کالبدی	مشخصه‌های معنایی	
دوره هخامنشیان	حرکت در مجموعه تخت جمشید، برمسیر محورهای عمود بر هم منطبق است که با پلکان، دروازه و نماهای آرایش یافته نمادین مشخص می‌شده اند. هخامنشیان نازک ترین ستونهای سنگی جهان باستان را ساختند و همین باعث شد در تالارهایی مثل صدستون، بر پیوستگی فضای تهی تاکید شود، در حالی که در معماری مصری و یونانی، ستون‌ها مهم تر از فضای باز اطرافشان بودند.	در تخت جمشید، اگرچه قصرها از جهات گوناگون دیده می‌شود، اما فضا به دقت سازماندهی شده تا مجموعه ای از نماهای مهم، همچون پرده‌های یک نمایش، یکی پس از دیگری دیده‌شوند. جورجو گولینی می‌گوید: در تخت جمشید هر نما درارتباط با محوری که بیننده در آن حرکت می‌کنند، آرایش یافته است. ظاهرا معمار بیش از هر چیز دغدغه پشت سرهم قرار دادن تصاویر نماهای مختلف را داشته است تا هر بنا.این ویژگی در معماری‌اشکانی به‌چشم‌نمی‌خورد (1964,gullini)	تخت جمشید
دوره ساسانی	تاکید بر محور طولی و سلسله مراتب فضایی، ورودی، حیاط، ایوان، گنبدخانه، حیاط و .. که بر نظامی خطی واقع شده اند. از جمله ارزش گذاری فضایی تهی نسبت به حجم‌های توپر در معماری ساسانی تداوم یافتند.	در معماری ساسانی مفهوم نما کاملا با گذشته متفاوت است. کاخ‌ها نماهای برجسته و به شدت نمادین دارند که در یک نگاه دیده می‌شوند و در ذهن نقش می‌بندند. در مجموعه کاخ های‌ساسانی نماهای هدایت شده جای خود را به تاکید بر محور طولی می‌دهد	قصر شیرین و تخت سلیمان
دوره اسلامی در قرن ٦ هجری	از دوره سلجوقی معماران ترجیح دادند شالوده اصلی ساختمان رامستقل از تزئینات نما بررسی کنند تزئینات ساختمان به شکل لایه آجری به نما اضافه می‌شدند. حجم‌های بزرگ و ساده مکعب مستطیل، استوانه ای و نیم استوانه به‌چشم‌می خورد قوس‌های جناغی، تاقچه‌های‌تزئینی، کرسی چینی، هره‌ها و قرنیزهای‌تزئینی آجری، عناصر نمای دوره سلجوقی اند	معماران این دوره سعی داشتند با برجستگی‌های حجمی همچنین تزئینات آجری برجسته، نوعی سایه روشن متنوع و متعادل به وجود آورند. تعادلی که با هندسه دقیق بناهای این دوره تاکید می‌شود. در بناهای به جامانده از دوره سلجوقیان، به استثناء برج‌های مقبره ای، حرکت عمودی و افقی در عناصر نما در تعادل کامل قرار دارند	برج خرقان

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۱ تابستان ۱۳۹۷
No.51 Summer 2018

سیر تحول نما در معماری ایرانی			
دوره زمانی	مشخصه‌های نما		نمونه موردی
	مشخصه‌های کالبدی	مشخصه‌های معنایی	
دوره اسلامی در قرن ۸ هجری	در دوره ایلخانیان، عناصر نما بر حرکت عمودی تاکید دارند معماری ایلخانی با گوتیک قابل مقایسه است. در پی سبک نشان دادن نما ازطریق افزایش جرزهای عمودی و بازشوهای کشیده با قوس جناغی است. رواج آجرهای لعابی رنگی و افزایش تزئینات در این دوره دیده می‌شود	بناها سبک تر و در عین حال با شکوه تر بودند. سردرها در دوره ایلخانی تناسبات نمادین یافتند و به عناصر برجسته شهری تبدیل شدند جهت غالب نمای دوره ایلخانی به سوی آسمان است	مقبره سلطانیه
دوره اسلامی در قرن ۹ هجری	بخش عمده ای از سطوح نما با کاشی‌ها ی رنگارنگ پوشیده شد ایوان‌ها و پیش تاق‌ها به مثابه نوعی نما-ساختمان هستند که ورودی نمادین را شکل‌می‌دهند. این عنصر در واقع دروازه‌ای بزرگ است که آن چنان از نظر تناسبات و شکل متمایز از دیگر عناصر ساختمان است که همچون بنایی مستقل، جلوه می‌کند.	در دوره تیموری بارواج گنبدهای دو پوسته که لایه تزئینی داخلی، ۳ پوسته مستقل را تشکیل می‌دادند، معماری به اوج فرمالیسم و بیان نمایشی رسید. نما همچون علامتی شهری و محیطی است که وجود بنا را اعلام می‌کند ولی موجودیتی مستقل دارد.	مسجد گوهرشاد
مکتب اصفهان	نظم ظاهری از طریق غشاء تزئین شده با کاشی و آجر به دست می‌آید، بر جوهر ساختمانی بنا ارجحیت دارد.نمای دوره صفوی دقیق، پرکار و مرتبط با ساختارهندسی است که در تناسب با اندازه‌های افقی بناطراحی شده است. مطالعه هندسه نما و ارتباط آن با تناسبات پلان نشان می‌دهد، معماران آن به احتمال قوی تکنیک طراحی نما وپلان را میشناختند.	معماری دوره صفوی، تکمیل و تعدیل مفهوم فضایی دوره تیموری است، اگرچه بیان دراماتیک و سیمای افسانه ای معماری تیموری قوی تر از معماری صفوی است. نما در معماری صفوی همچون صحنه‌آرایی تئاتر است. نما در اغلب موارد همچون ماسکی است که بر چهره ساختمان کشیده شده و عناصر اصلی ساختمان را پنهان می‌کند	عالی قاپو میدان‌امام اصفهان
دوره قاجار	همراه با نیاز به خیابان‌های جدید، بحث طراحی بدنه خیابان‌ها مطرح شد. مانند میدان توپخانه که از میدان شاه اصفهان و میادین باروک الهام گرفت. میدان بدنه ای یکپارچه و مدولار، متشکل از دو طبقه داشت. معماری نما برگرفته از معماری نئوکلاسیک بود. بناهای خیابان‌های جدید، نمای اصلی به خیابان داشتند عناصر وارداتی مانند برج ساعت، پله‌های بیرون امده، نما رو به خیابان، ایوان‌های رو به خیابان و عناصر نئوکلاسیک به نماها اضافه شدند.	از نظر سازماندهی کلی، عناصر نما، تزئینات و شیوه ساخت، تلفیقی از معماری بومی و قرن نوزدهمی اروپا بودند و میزان تاثیر الگوهای بومی یا غربی در هر بنا متفاوت بود. به طور کلی نمای بناهای دوره قاجار از نظر تنوع، تناسبات، نوآوری، تلفیق سبک‌های مختلف، پیچیدگی و غنای رنگ و تزئینات و ظرافت در خور توجه اند.	میدان توپخانه
دوره معاصر	ظهور انواع مصالح ساختمانی و مد گرایی منجر به ملقمه ای ازانواع سبک‌ها در جداره‌ها شده است و هیچ گونه وحدت و هماهنگی مشاهده نمی‌شود	از خود باختگی و مد گرایی منجر به بی هویتی جداره‌های شهری شده است	شهرهای معاصر تهران، مشهد، قم و ...

٤-انسان و نیازهایش در فضای شهر

انسان با توجه به نیازها، ارزش‌ها و هدف‌های خود محیط را دگرگون می‌کند و به‌طور متقابل تحت تأثیر محیط دگرگون‌شده قرار می‌گیرند، به‌ویژه فن‌آوری پیشرفته موجب می‌گردد تأثیر انسان بر محیط شدت و سرعت یابد، دگرگونی سریع محیط از ویژگی‌های بنیادی دوران اخیر است. هرروز شهرها و محله‌ها و بناهای جدید ساخته می‌شود. این‌گونه الگوهای رفتاری و نقش‌های اجتماعی نوینی را بر ساکنان خود تحمیل می‌کنند؛ و موقعیت‌های کالبدی معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می‌نمایند. یکی از مهم‌ترین طبقه‌بندی‌های مطرح‌شده در موردنیاز سلسله‌مراتب نیازهای آبراهام مازلو[1] است. مازلو معتقد است که انسان نیازهای مختلفی دارند این نیازها نه به‌صورت بی‌ارتباط و جدای از هم بلکه به‌صورت سلسله‌مراتبی از نیازها در طول زندگی فرد بروز می‌یابند، مازلو معتقد است نیازهای انسانی از نیازهای اساسی مربوط به بقا شروع‌شده و به نیازهای زیباشناختی و خودشکوفایی ختم می‌شوند، به همین دلیل است که نیازهای رده‌های پایین‌تر نیازهای اولیه نامیده می‌شود و با رشد فرد نیازهای رده‌های بالاتر به‌تدریج ظاهر می‌شوند. در این میان نکته مهم این است که گرچه این نیازها منشأ درونی دارند اما تحت تأثیر محیط پیرامون و به‌ویژه فرهنگ افراد قرار می‌گیرند. مازلو باور دارد نیازهای رده‌های بالاتر بروز نمی‌یابد مگر آنکه پیش از آن نیازهای رده پایین‌تر تا حدودی برطرف شده باشد. درواقع در یک‌زمان تنها یک نیاز غالب است و اینکه کدام نیاز غالب باشد بستگی به این دارد که کدام دسته از نیازها پیش از این ارضا شده باشد. اما اگر نگاه دقیق‌تری به نیازهای روزمره خود در زندگی داشته باشیم می‌بینیم که چنین سلسله‌مراتب سفت و سختی بین نیازهای ما وجود ندارد و درواقع بین این نیازها یک رابطه متقابل وجود دارد و الزاماً تأثیر آن‌ها بر یکدیگر به‌صورت سلسله‌مراتبی نیست.

گرچه مدل ارائه شـــده از نیازهای انسان توسط مازلو نسبت به ســـایر مدلهای ارائه شـــده تا حدودی کاملتر است، اما خود با نقدهای جدی روبه روســـت. از جمله اینکـــه وی به عواملی مانند تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بســـیار کم اهمیت می‌دهد و در میزان قدرت، اراده و اختیار، و در منطقی و عقلانی بودن فرد اغراق میکند. تصویـــر خوشبینانه، ذهنی، متعالی و ارزشگرایانهٔ روانشناسان انسانگرا را نمی‌شود با روشهای تجربه شدهٔ متداول علوم بررسی کرد.همچنین مازلو نیازهای انسان را دسته‌بندی میکند و بین آنها رابطهٔ طولی قائل میشود. وی بیـــان میکند زمانـــی نوبت به نیازهای بالاتر میرســـد که تا اندازهای نیاز پایینتر تأمین شـــده باشـــد. به نظر میرسد مطلب یادشـــده دربارهٔ غالب افراد معمولی درست است، ولی دارای کلیت نیســـت و بستگی به آن دارد که شـــخص چگونه و چه مقدار روی نیازهای خود کار کرده و روی آنها ارزشگذاری کرده است؛ مثلا در آموزه‌های دینی ســـفارش شده است: «شکم از طعام خالی دارتا در آن نور معرفت بینی» از دیگـــر نقدهای جدی که به مازلو وارد اســـت اینکه او درباره افراد خودشـــکوفا و ویژگیهای آنها و افراد متعالی و اوجگرا که بزرگترین و بهترین مردان در تاریخ بشـــریت هستند سخن به میان آورده اســـت، اما درباره انبیا و اولیـــای الهی که متعالی ترین انسانها هستند، سخنی به میان نیاورده است.لذا این مدل نیز علیرغم کاربردی بودن، نتوانســـته اســـت خلأ مدل جامع از انسان و نیازهای او را رفع کند و باید تلاش بیشتری در این حوزه صورت گیرد. لذا بـــا توجه به اهمیت مقولهٔ نیازهای انســـان در خلق آثار معماری برای دســـتیابی بـــه مدلی جامع و کاربردی از نیازهای انســـان، مروری بر مهمترین منابع اسلامی و نظریّه‌های متفکران مسلمان معاصر ضروری به نظر رسید. از منظر اسلام، انســـان موجودی مرکب از ماده و روح است؛ به همین خاطر نیازهای انســـانی دارای تعدد و تنوع بســـیاری است.

در منابع اســـلامی نیز اشـــارات زیادی به ابعاد وجودی انسان، قوا و نیازهای او شـــده اســـت. یکی از کاملترین تعاریفی که از ابعاد وجودی انســـان موجود اســـت، مربوط به روایتی از امام علی (ع) است. در این تعریف انسان دارای چهار ساحت نفسانی است: نامی نباتی، حســـی حیوانی، ناطقه قدسی و کلی الهی و هر کدام از این ســـاحات پنج قوه دارند و آنها هستند که به ترتیب مسبب زیادت و نقصان، خشنودی و ناراحتی، عفت و حکمت، و رضایت و تسلیم در انسان هستند (نقره کار و همکاران، ۱۳۹۳).

۱. Abraham maslow روانشـــناس آمریکایـــی اســـت و بـــه دلیـــل توجهـــش بـــه رویکـــرد انســـان‌گرایی در روانشناســـی به‌عنـــوان پـــدر روانشناســـی انســـان‌گرا شـــهرت دارد.

برخی صاحبنظران حوزه معماری و شهرسازی نیز به کلیات این طبقه‌بندی‌ها توجه نموده اند و حیات انسان را دارای سه بعد جسمانی، نفسانی و روحانی می‌دانند به‌عنوان نمونه دکتر نقی زاده نیازهای انسان را در سه ساحت به شرح ذیل معرفی می‌کند (جدول ۲).

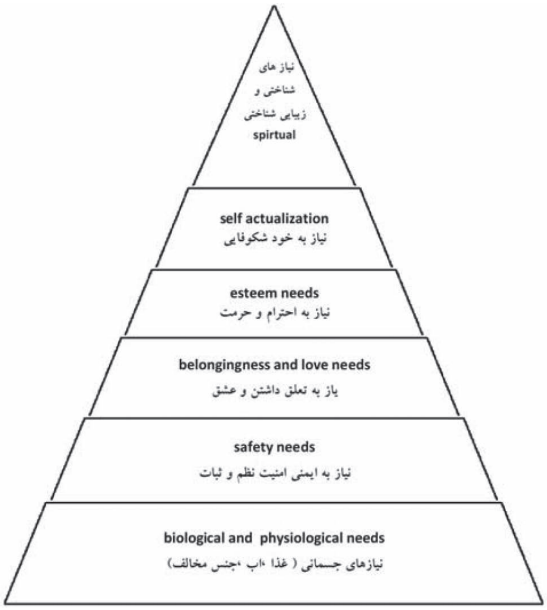

نمودار ۱. هرم نیازهای انسانی مازلو بر اساس نظرات مازلو .www 1954,maslow.com

۵- هویت منظر شهری در ارتباط با نیازهای انسان

بررسی چگونگی تأثیر محیط کالبدی بر ادراک و فعالیت‌های انسان نشان می‌دهد عوامل محیط کالبدی از طریق تأثیرگذاری بر فعالیت‌ها، ایجاد معانی خاص بر احساس و رفتار افراد تأثیر می‌گذارند و در ایجاد روح مکان و القای معنی مؤثرند. انسان‌ها محیط شهر را می‌سازند و در مرحله بعد محیط شهر، رفتار سازی می‌کند. در صورتی که این رفتارها متناسب با روح و فرهنگ جامعه نباشد و از ارزش‌های فرهنگی تبعیت نکند می‌تواند منجر به بروز بی هویتی و از خود باختگی در سطح جامعه گردد. ما انسان‌ها موجوداتی جدا از پیرامون خود نیستیم و در هرلحظه با آن ارتباط داریم، رابطه بین ما و محیط تبادلات فیزیولوژیکی

جدول ۲. ساحات حیات انسان و نیازهای متناسب با آن‌ها؛ ماخذ: نقی زاده، ۱۳۸۵، ص ۸۷

نیازهای انسان	ساحت مادی حیات (نیازهای فیزیولوژیک)	ساحت نفسانی حیات (نیازهای روانی)	ساحت روحانی حیات (نیازهای معنوی و روحی)
تغذیه (زمینه رشد)	خوراک	آگاهی و دانش	معرفت و عرفان
محیط مطلوب	شرایط محیطی تنظیم‌شده (حرارت فشار رطوبت) (سرپناه)	تأمین مفهوم سکونت، مسکن، حریم (خانواده) آرامش	مسکن (آرام و امن)، تجلی معنویت در محیط، ارتباط با فضاهای معنوی
محیط سالم	تأمین سلامت بیولوژیکی (فقدان آلودگی بیولوژیک)	تأمین سلامت روانی (فقدان آلودگی‌های محیطی)	تأمین سلامت روحی و انسانی (فقدان آلودگی‌های فرهنگی)
ارتباط با هستی	ارتباط با کالبد (مصنوع و طبیعت)	ارتباط معنایی (درک معنای محیط)	ارتباط با خداوند
امنیت	امنیت در برابر تجاوز و تهاجم	امنیت در برابر فشار عصبی	امنیت در برابر گناه و غفلت
زیبایی	زیبایی محسوس مادی و صوری	زیبایی ناشی احساس خوشی و لذت سیستم عصبی	ارتباط با ماورا الطبیعه
آرامش	فقدان فشارهای خارج از توان انسان بر حواس پنج‌گانه	فقدان فشارهای روانی	احساس ارتباط باخدا
لذت	اطفای غرائز (لذات حسی)	پرداختن به کارهای موردعلاقه، معنادار بودن و تداوم لذات حسی	مجالست با انسان‌های موردعلاقه، حضور در فضای معنوی
ارتباط با انسان‌ها	تأمین احتیاجات مادی	احساس هویت فرهنگی	احساس وحدت در جمع
آزادی	فقدان استثمار- آزادی عمل	آزادی فکر و اندیشه	رهایی از قید شیطان، بندگی خدا

نیازهای انسان	ساحت مادی حیات (نیازهای فیزیولوژیک)	ساحت نفسانی حیات (نیازهای روانی)	ساحت روحانی حیات (نیازهای معنوی و روحی)
احترام	احترام ظاهری در جامعه	احساس تشخص و احترام معنوی و هویت	احساس گرامی بودن نزد خدا و احساس عدم گناه
یادگیری	خواندن نوشتن علوم حسی	احساس آگاهی و تخصص یافتن	عرفان درک و فهم نمادها وحی ایات
خودباوری	امکان زنده‌بودن	امکان زندگی کردن	امکان حیات معنوی وزندگی اخروی
هویت	احساس تشخص فردی	احساس این‌همانی با محیط و جامعه	احساس این‌همانی با هستی
عبادت	آمادگی جسمی	آمادگی روانی	ارتباط با خالق ارتباط با بی‌نهایت
رمزگرایی	آگاهی به نشانه‌های قراردادی	شناخت نشانه‌های مفهومی	درک رموز معنوی

مانند تنفس، دفع مواد زائد و غیره محدود نمی‌شود. همان‌گونه که ازنظر جسمی با محیط ارتباط برقرار می‌کنیم با آن ارتباط عاطفی و روانی نیز داریم، ما در هرلحظه از محیط و اطلاعاتی که از آن کسب می‌کنیم تأثیر می‌پذیریم و به‌صورت متقابل بر آن تأثیر می‌گذاریم.

محیط پیرامون ما سرشار از اطلاعات بالقوه است ما ابتدا متناسب با توانایی‌های جسمی و روانی خود بخشی از این واقعیت را به‌صورت یک عینیت ادراک می‌کنیم، سپس قضاوت را بر اساس ادراک خودسازمان‌دهی می‌کنیم و بر اساس این قضاوت‌ها ذهنیتی از محیط برای خود می‌سازیم، این ذهنیت‌ها عوامل پایه‌ای در رفتار ما هستند. ما بر اساس آن‌ها رفتار می‌کنیم و حتی باعث تغییر محیط نیز می‌شویم، محیط تغییریافته بازهم به‌عنوان یک عینیت در فرایندهای ذهنی ما واردشده و این چرخه به‌صورت مداوم ادامه خواهد داشت (پاکزاد، ۱۳۹۱، ص ٤٥).

نمودار ۲. عوامل تاثیر گذار در ایجاد حس مکان

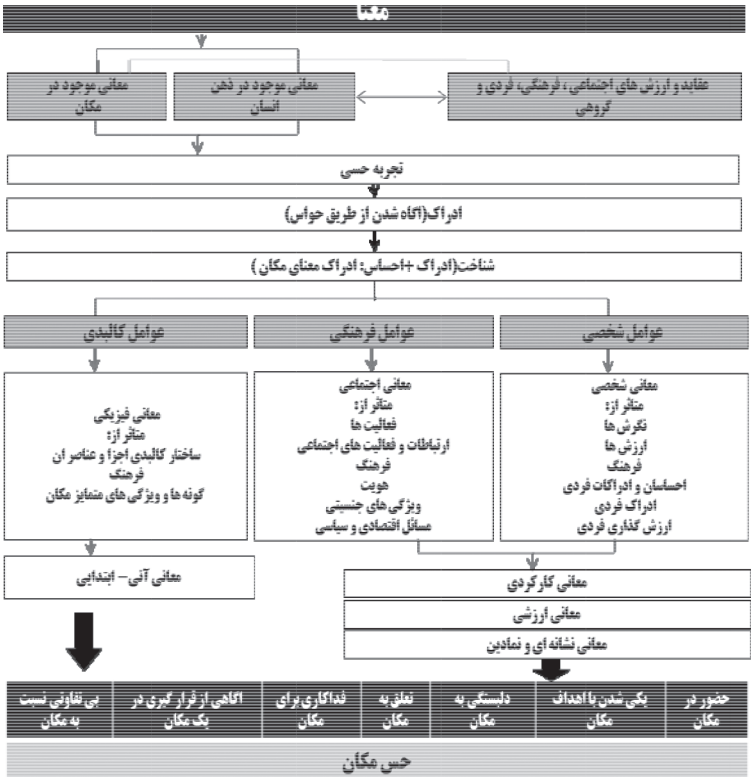

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۵۱ تابستان ۱۳۹۷
No.51 Summer 2018

آثار یک شهر در طیف وسیعی قابل‌طبقه‌بندی می‌باشند، دسته‌ای که برای اهل شهر شناخته‌شده هستند. گروهی که برای یک تمدن عامل هویتی هستند و بالاخره طبقه‌ای که برای جهانیان، ملاک و معیار هویتی هستند. ویژگی‌های هنری و معماری شهرها به شیوه زیسته یک ملت اشاره می‌کنند و بیانگر تفکر، مذهب و باورهای متافیزیکی و دنیایی یک ملت نیز هستند. بنابراین آن دسته از عناصر و فضاهای شهری که بتوانند به‌عنوان نمایش‌دهنده اصول و ارزش‌های مأخوذ خود از فرهنگ و تاریخ جامعه ظاهرشده و کماکان به‌عنوان تجلی خاص آن اصول و ارزش‌ها ایفای نقش نموده و صاحبان و پدیدآورندگان خویش را معرفی کنند، خواهند توانست همچنان به‌عنوان عنصر شاخص هویتی آن تمدن و ملت شناخته شوند. تبعات حذف جبری و شاید عجولانه بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و نگاه اقتصادی به محیط‌های عمومی شهری نشان‌دهنده اثرات منفی، تحولات سطحی ناشی از مدرنیسم در معماری معاصر هست. فرمول‌ها، ضابطه‌ها و الگوها جایگزین مواجهه‌های شخصی و تجربه‌های غنی و صمیمانه مکان‌ها شده و تجربه مدرن از فضا به‌صورت عنصری خالی جایگزین ویژگی‌هایی چون تنوع، شگفتی، ابهام، سرزندگی، خاطره‌انگیزی و بسیاری از مفاهیم کیفی فضا شده است.

یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی که تعلق را به وجود می‌آورند رابطه هویتی بین انسان و مکان است. در رابطه تعلقی انسان و مکان با یکدیگر هر کس طالب و خواستار مکانی است که به آن تعلق دارد و با آن همخوان و هماهنگ است. اولین عامل پیچیدگی در رابطه انسان و مکانش اراده و اختیار انسان در انتخاب مکان خویش است. دومین عاملی که این پیچیدگی را تقویت می‌کند ساحت‌های متعدد حیات در سه قلمرو ماده، نفس و روح است که هریک از آن‌ها مکان خاصی را طلب می‌کند و انسان را به آن فرامی‌خواند، عامل بعدی که به‌تبع دو عامل فوق‌الذکر ظاهر می‌شود جهان‌بینی و اعتقادات انسان است که غایت حیات و جایگاه و مکان نهایی انسان را به او می‌نمایاند (نقی‌زاده، ۱۳۸۹، صص ۴۷-۵۰).

پس از شکل‌گیری کالبدی که برآمده از هویت ملی ما، فعالیت و تعاملات اجتماعی است. خود مکان عنصری هویت‌ساز برای انسان هویت پرداز می‌شود. در نتیجه یک مکان به‌عنوان چارچوبی فضایی نه‌تنها زمینه وقوع رویداد و خاطره را فراهم می‌کند. بلکه به حفظ خاطرات جمعی می‌انجامد.

موضـوع سیما و منظر شهر به جهت رابطه تنگاتنگ با مقوله هویت و ویژگی شهر، ابعاد گسترده و پراهمیتی دارد. هویت تفسیری است که انسان از ارتباط خود با تاریخ در گذر زمان ارائه می‌دهد؛ تاریخی که با مؤلفه‌های گوناگون زندگی انسان امروز در ارتباط است. هویت انسان تفسیری چندب‌عدی است که بسیاری از عرصه‌های ذهنی و عینی زندگی او را در برمی‌گیرد؛ تفسیری که از تعامل این مولفه‌ها حاصل می‌شود. میل باطنی انسان جهت کشف هویت خود، باعث میشود تا مقولهٔ هویت درعرصه‌های انسان‌ساخت و محیط‌های مصنوع نیز واجد ارزش شود. شهر به عنوان اصلی‌ترین مظهر تمدن بشر از این میل باطنی متأثر است. سبک‌های پدید آمده در قرن بیستم که برآمده از نهضت مدرنیسم بودند، به دلیل مقابله با این میل باطنی، نادیده گرفتن محیط انسان و حیات مدنی پایدار نبودند. منظر شهری به عنوان پدیدهای عینی- ذهنی که با کالبد و خاطره شهر پیوند خورده، از این قاعده مستثنی نیست. آنچه ما به عنوان هویت منظرشهری از آن یاد می‌کنیم «میل به زندگی در شهرهای امروز با پشتوانه دیروز» است و سیاستهای حفظ کالبد صرف، برای احیای هویت و نادیده انگاشتن زندگی امروز، چالشی جدی در منظر شهرها محسوب می‌شود. از طرفی باید توجه داشت که هویت، نوعی تمایز است؛ تمایز انسان با انسان، شهر با شهر، فرهنگ با فرهنگ؛ موجودیت منظر شهری با هویت آن گره خورده است و جهانی سازی، علیرغم ظاهر فریبنده‌اش، بحران آفرین است. در واقع، بخشی از هویت منظر شهری با کالبد گذشته شهر پیوند خورده است و زمانی‌که مکان‌های خاطره انگیز با اتصال تاریخی به گذشته را از بین می‌بریم به دنبال قطع تداوم تاریخی، منظر شهری هویتمند را از بین برده‌ایم؛ منظری که می‌تواند با حیات مدنی امروز و تداوم تاریخی گذشته، شهر را هویتمندتر سازد. احراز هویتمندی در منظر شهرها، نسل‌های آینده از فضاهای آشنا برخوردار خواهند بود. یکی از مواردی که موجب درک هویت در محیط مصنوع می‌شود نگاه به این آثار به مثابه ابزار شناخت و فهم مکان است به صورتی که این فهم موجب تعلق انسان و آثار ساخته شده توسط او به یک مکان باشد.

۱-۵ عوامل موثر بر خلق منظر باهویت

- تأثیرپذیری از ایدئولوژی و اندیشه‌های حاکم بر

جامعه و تشکیل یک واحد اجتماعی تکامل‌پذیر. منظر شهری روی رفتار گروهی و فردی تأثیر می‌گذارد، رفتار فردی متأثر از رفتار گروهی و صفات فرد هست و مجموع صفات فردی صفات گروهی را می‌سازد که ساخت اجتماعی متأثر از این صفات گروهی است. لذا استفاده از اصول مناسب در سیما و منظر شهر می‌تواند منجر به تاثیرات مفیدی در این راستا گردد.

- توجه به ادراک فضایی و ایجاد تصویر روشن از کالبد در ذهن بیننده.
- احترام به انسان و محوریت انسان در طراحی فضا، رعایت مقیاسی انسانی به شکلی مطلوب و مردم‌پسند ،نمود بارز فضای مردم وار است.
- در فضای شهرهای بایستی پیوستگی اجزاء در یک کل هدفمند و منظم بوده که در عین کثرت خود مطلقاً کل مجرد نبوده بلکه با اجزاء دیگر وحدت یافته و به یک کل کمال‌یافته منتهی گردد.
- ارتباط کالبد و معنا درمنظر شهری می‌تواند منجر به خلق حس مکان، خاطره جمعی و حس تعلق به محیط گردد.
- توجه به نمادپردازی و تحت تأثیر قرار دادن ناخودآگاه جمعی در ارتقا کیفیت محیط می‌تواند موثر باشد.
- ایجاد غنای حسی در محیط شهری و منظر شهری موجب حس لذت‌بخشی در فضا با توجه به ارزش‌های زیبایی حسی، شکلی و نمادین گشته است.
- وجود ارزش‌هایی مانند تداوم تاریخی، سلسله‌مراتب، عدم تقلیدی بودن، تناسب فضا باارزش‌های فرهنگی و ویژگی‌های انسان، فراهم بودن زمینه مشارکت افراد جامعه در فضا، احساس این‌همانی فرد در فضا از شرایط لازم برای ایجاد حس تعلق را ایجاد می‌کند.
- احترام به تاریخ و فرهنگ مردم جامعه و اشاره معنایی به غنای تاریخی انها برای احراز هویت
- اجتناب از شبیه شدن به معماری دوره ای خاص و سعی در استفاده از اصول و ارزش‌های تاریخی به جای تقلید ظاهری و شکلی
- توجه به ترکیب متوازن معماری و شهرسازی و منظم بودن شکل فضاهای باز
- دوری جستن از بیهوده گزینی و اتلاف فضاها و اجتناب از تزئینات فاقد مصرف همچون مجسمه نمادهای فاقد کاربرد و صرفاً نمادین، که در بنای اروپایی دیده می‌شوند.
- تبعیت منظر شهری از معانی عاطفی-احساسی-فرهنگی- تاریخی محیط منجر به پیوند مستحکم آن با استفاده کنندگان می‌شود.
- توجه به ویژگی‌های رایج فرهنگی در شهر و احترام به اداب و عقاید مرسوم در جامع و پرهیز از شبیه شدن به بیگانگان.

٦- نتیجه گیری و جمعبندی

امروزه در دوران مدرن ما شاهد آثار زیانباری از عدم سازش انسان و محیط مانند افزایش بیماری، مرگ، روان‌پریشی، اضطراب، خودکشی و جنایت هستیم، غیرانسانی بودن معماری و شهرسازی معاصر می‌تواند درنتیجه قصور در توجه به بدن و ادراکات حسی و عدم تعادل در سیستم احساسی ما باشد. توجه به مفاهیمی مانند حس تعلق، احساس جمعی، حس مکان و تأمین خلوت در محیط می‌تواند این آثار زیان‌بار را کاهش دهد و موجب افزایش بهداشت روان و سلامت روحی جامعه گردد. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش حس تعلق در محیط در دودسته ساختار کالبدی و معانی قابل بررسی هستند. علاوه بر مؤلفه‌های کالبدی که نقشی مؤثر در شناخت ساختار و درک فضا دارند، معانی با ایجاد ادراکی درونی از فضا، عاملی در به وجود آمدن هویت، زیبایی و لذت از فضای ساخته‌شده هستند. ادراک به‌مثابه عامل سرنوشت‌ساز شکل‌دهنده رابطه انسان و محیط، در کسب دانش محیطی نقش به سزایی دارد. بر این اساس در مواجهه‌ی فرد با محیط در هر مرحله بخشی از ویژگی‌های محیط مورد ادراک قرار می‌گیرد. فضای پیرامونی ما در صورتی که متاثر از ارزش‌های تاریخی و فرهنگی ما باشد می‌تواند فضای ذهنی ما را متاثر از مولفه‌های مثبت و ارزشمند کند. وجود ارزش‌هایی مانند تداوم تاریخی، سلسله‌مراتب، عدم تقلیدی بودن، تناسب فضا باارزش‌های فرهنگی و ویژگی‌های انسان، فراهم بودن زمینه مشارکت افراد جامعه در فضا، احساس این‌همانی فرد در فضا را فراهم نماید. بخش زیادی از این مولفه‌ها از طریق سیمای شهری می‌تواند صورت پذیرد. در صورتی که در طراحی سیمای شهر و فضاهای شهری به اصول و معیارهای برگرفته از

نمودار ۳. عوامل موثر بر فرایند ادراک فرد در محیط؛ ماخذ: نگارندگان.

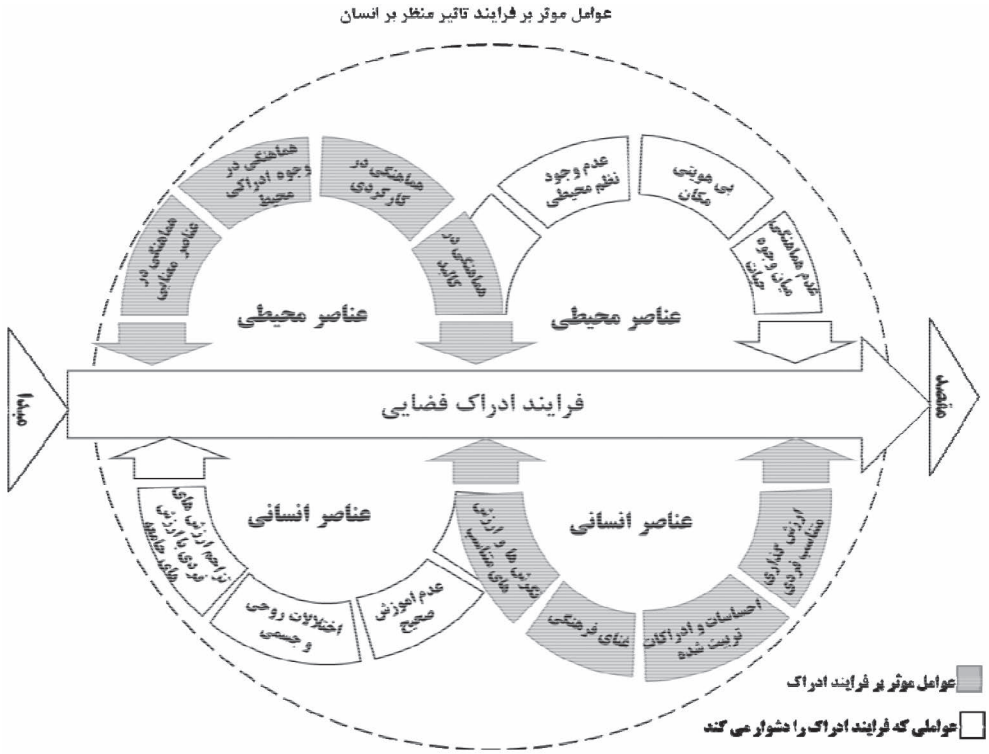

فرهنگ و هویت بومی مطابق با روح زمانه توجه گردد، می‌توان علاوه بر حفظ حس تعلق جامعه به ارزش‌های بومی مانع از ایجاد بحران هویت و نگاه تقلیدوار به بیگانه شد. با بررسی معیارهای موثر بر ارتقا هویت نمای شهری می‌توان به اصول زیر به عنوان معیارهای نهایی دست یافت:

۱. توجه به مولفه‌های معنا در شکل دهی به نماهای شهری با در نظر گرفتن ایدئولوژی حاکم بر جامعه، احترام به انسان، توجه به نیازهای انسان، توجه به نماد و سمبل ،ایجاد ارتباط کالبد و معنا و توجه به غنای حسی در محیط
۲. احترام به فرهنگ بومی و جلوگیری از شبیه شدن به بیگانه
۳. تداوم تاریخی با احترام به ابعاد معنایی تاریخ و پرهیز از تکرار فرم‌های قدیمی تحت عنوان تاریخ گرایی

منابع و ماخذ

۱. بل، سایمون (۱۳۸۲) منظر، الگو، ادراک، فرآیند، ترجمه بهنازامین زاده، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۲. لنگ، جان (۱۳۹۳) آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمهٔ علیرضا عینی فر، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه تهران
۳. لینچ، کوین (۱۳۸۰) تئوری شکل شهر، سید حسین بحرینی، دانشگاه تهران، تهران
٤. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۸) لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی: دانشگاه تهران
۵. عمید، حسن (۱۳۷۸) فرهنگ لغات عمید، جلد ۳، چاپ ششم، امیرکبیر، تهران.
٦. معین، محمد (۱۳٦٤) فرهنگ فارسی، امیر کبیر، تهران
۷. مشیری، مهشید (۱۳٦۹) فرهنگ الفبایی قیاسی زبان فارسی، سروش، تهران
۸. صفامنش، کامران (۱۳۷۳) طرح بهسازی خیابانهای لاله زار، سازمان زیباسازی شهر تهران.
۹. پا کزاد، جهانشاه (۱۳۸٦) مجموعه مقالات در باب طراحی شهری، انتشارات شهیدی.
۱۰. محمودی نژاد، ه و صادقی، ع. (۱۳۸۸) طراحی

شهری از روانشناسی محیط تا رفاه اجتماعی، انتشارات هله، چاپ اول، تهران.
۱۱. نقی زاده، محمد (۱۳۸۹) تحلیل و طراحی فضای شهری، پژوهشکده فرهنگ و هنر، چاپ اول
۱۲. نقی زاده، محمد (۱۳۸٦) ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول
۱۳. نقره کار، عبدالحمید (۱۳۸۷) درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، ناشر وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول
۱٤. نقره‌کار. عبدالحمید، مظفر. فرهنگ، تقدی. سمانه (۱۳۹۳) بررسی قابلیت‌های فضای معماری برای ایجاد بستر پاسخ‌گویی به نیازهای انسان از منظراسلام مطالعهٔ موردی: خانه‌های زینت‌الملک شیراز و بروجردی‌های کاشان، فصلنامه علمی ـ پژوهشی شهرایرانی اسلامی،شماره پـانـزدهم.
15. Giorgio Gullini ,Architettura iranica ,dagli Achemonidi ai sasanidi ,giulio einaudi editore ,torino, ۱۹٦٤, p ۲٦٤
16. Crow ,Thomas .Brown,Terry .Young, Raymond De(۲۰۰٦), The Riverside and Berwyn experience:Contrasts in landscape structure, perceptions of the urban landscape, and their effects on people , Landscape and Urban Planning ,Vol ۷۵,p: ۲۸۲.
17. NASAR, J. L. ۲۰۱۱. Environmental Psychology and Urban Design. In: BANERJEE, T. SIDERIS, ANASTASIA LOUKAITOU (ed.) Companion to Urban Design